

چرا اسلام‌ستیزی، حق هر ایرانی است؟!

میرزا آقا عسگری (مانی)

• در اسلام، بُن‌مایه‌ی آزادی که جزو گوهر و طبیعتِ آدمی است پایمال شده، اراده‌ی گزینش روش زندگی از سوی خودِ انسان، محو شده، و به جای آن‌ها فرامین دینی، و تکالیفِ تعیین‌شده از سوی الله و آیات‌الله جاسازی شده‌اند. ...

پنج‌شنبه ۲۸ آبان ۱۳۸۸ - ۱۹ نوامبر ۲۰۰۹

منوچهر جمالی: «اسلام‌ستیزی و عرب‌ستیزی، واکنش طبیعی در برابر اسلامی‌ست که گوهرش ستیزنده است» ۱

قرآن: «و کافران را لباسی از آتش دوزخ بقامت بریده‌اند و بر سر آنان آب سوزان حمیم جهنم ریزند تا پوستِ بدنشان و آنچه در درون آنهاست بآن آب سوزان گداخته شود (سوره‌ی الحج. آیه‌های ۱۹ و ۲۰) ولتر: «نخستین روحانی، نخستین حقه‌بازی بود که با نخستین ابله ملاقات کرد.» دیدرو: «من چیزی وقیح‌تر از مخالفت اولیای دین با عقل نمی‌دانم، اگر به سخن آنان گوش دهیم باید قبول کنیم که مردم موقعی از ته دل مسیحی می‌شوند که مانند چارپایان به طویله بروند» ۲

در ادیان ابراهیمی، بویژه در اسلام، اصل قداست زندگی پایمال پیشوایان و لشکریان دین شده است. قداست قرآن (فرامین الله)، و قداست خاندان نبوت، امامت، اولیاء‌الله و مراجع تقلید، جای اصالت انسان و ارج‌گذاری به زندگی او را گرفته‌اند. در دین اسلام ارزش زندگی این جهانی انسان - که تنها نوع زندگی شناخته‌شده‌ی او در هستی است-، بی‌ارج شده، و زندگی خیالی در دنیائی دیگر جای آن را گرفته است. اسلام می‌گوید این دنیا «محل آزمایش» است، مقدمه‌ای است برای زندگی «واقعی!» در دنیای خیالی، موهوم و دروغین پس از مرگ.

در اسلام، بُن‌مایه‌ی آزادی که جزو گوهر و طبیعتِ آدمی است پایمال شده، اراده‌ی گزینش روش زندگی از سوی خودِ انسان، محو شده، و به جای آن‌ها فرامین دینی، و تکالیفِ تعیین‌شده از سوی الله و آیات‌الله جاسازی شده‌اند. اسلام، خرد و اندیشه‌ی انسانی را به بهانه‌ی «ناقص بودن انسان» مورد هجومی همه‌جانبه قرار داده و «پیروی از دستورات دینی» را جانشین آن کرده است. حتا اگر خرد یک مسلمان، او را به سوی یکی دیگر از ادیان سامی (یهودیت یا مسیحیت) رهنمون شود، یا اگر دین را وانهد، به عنوان کافر فطری یا ملی کشته خواهد شد. ورود به اسلام لازم است اما خروج از آن به هیچ وجه ممکن و مجاز نیست. خروج از اسلام، همانا پذیرش محکومیت به مرگ در دستان متولیان دین است. «ای پیغمبر، با کافران و منافقان جهاد کن و با ایشان سخت‌گیری کن که جای ایشان در دوزخ است.» ۳ «متولیان» الله، «کافران» یا «مُشرکان» را در همین دنیا با شمشیر دوشقه می‌کنند. پیش از آن که آن «کافر» یا «خطاکار» فرصت یابد در «دادگاه عدل الهی در روز جزا» توسط «الله» محاکمه و به جهنم فرستاده شود. «ای مومنان، با کافران جهاد کنید» ۴ «هر جا مُشرکان را یافتید آن‌ها را بکشید و از شهر و دیارشان برانید.» ۵

اندیشیدن همانا فلسفه است. در اندیشیدن، گوهر آزادی وجود دارد. گزینش روش و منش تازه از گوهر آزادی سرچشمه می‌گیرد. اما از دیدگاه اسلام، همه‌ی فیلسوفان و کاونندگان در بُن‌پایه‌های هستی، دشمنان اراده‌ی الله هستند و باید به عنوان زندیق، الله‌ستیز و اسلام‌ستیز نابود شوند. «با کافران از هر که با شما نزدیک است جهاد کنید، آنان باید عدم‌گذشت و ملایمت و سخت‌گیری شما را احساس کنند.» ۶ بر اساس احکام اسلام، انسان، از لحظه‌ای که در فضائی غیر از اسلام می‌اندیشد، وارد وادی کفر و دین‌ستیزی می‌شود. بر پایه‌ی فرامین شریعت، اصل شک به داده‌های اسلامی، شرک شمرده می‌شود، و اصل اندیشیدن و انتخاب روش‌های دیگری برای بهزیستی، اصولی ضد دین هستند و «مرتکبین به چنین اعمال خلافی» باید نابود شوند. گاه، حتا اگر اندیشیدن در فضا و چهارچوب اندیشه‌های الهی و اسلامی صورت گیرد اما نتیجه‌اش زانوزدن در برابر متدینین نباشد، فرد موردنظر باید کشته شود!

عین‌القضاء، منصورحلاج و طاهره قره‌العین (که عمیقا مسلمان بودند) شماری از این پُر شمار کشته‌شدگانند. اسلام با اندیشه‌ی انسانی می‌ستیزد، با عقل انسانی می‌ستیزد، با فلسفیدن انسان می‌ستیزد، و اندیشمندان و دگراندیشان را با اتهام «اسلام‌ستیزی» سر می‌برد. مردم حق چون و چرا در برابر فرامین قرآنی را ندارند، اما مسلمانان حق کشتن هر دگراندیشی را دارند! «هرکس غیر از اسلام دینی اختیار کند، هرگز از وی پذیرفته نیست و او در آخرت از زیانکاران است.» ۷ کشتن دگراندیشان نه تنها «حق طبیعی»! مسلمانان است، بل که همزمان، یک «وظیفه‌ی دینی» و در زمره‌ی «جهاد مقدس» به شمار می‌رود!

از دیدگاه مسلمانان، تنها اندیشه‌ی درست در همه‌ی زمان‌ها و مکان‌ها و تا به ابد، همانا اندیشه‌های محمدابن‌عبدالله در قرآن است، و هرگونه اندیشه، روش و منشی دیگر، ضداسلام به شمار آمده، باید نابود شود. پس، اندیشیدن، همانا اسلام‌ستیزی محسوب شده، موجب جزای انسان اندیشمند خواهد شد. باید آمار تدارک دید از میلیون‌ها انسانی که در ۱۴ سده‌ی گذشته با بهانه «اسلام‌ستیزی» به دست شمشیرزان، قداره‌کش‌ها، سپاهیان و گزمه‌های دین و شریعت به قتل رسیده‌اند. این، همانا «رأفت اسلامی»، «اجر الهی» و «عدالت اسلامی» است!

در تفکر دینی، اصل یگانگی گوهرین نر و ماده (و این اصل که زنان و مردان دونیمه کامل‌کننده‌ی یکدیگرند)، مورد «غضب الهی» واقع شده و بخش مادینه‌ی هستی (زن در جوامع اسلامی) به «موجوی ناقص‌الخلقه»، «ناقص‌العقل» و «ضعیفه» تقلیل یافته است. زن در بهترین حالت، نیمی از حقوقی را داراست که مردها دارند. «زنان شما، کشتزار شما، پس برای کشت بدانها نزدیک شوید!» سوره‌ی البقره. آیه ۲۲۲ «لیکن مردان را بر زنان افزونی و برتری خواهد بود. البقره. آیه ۲۲۷» گواهی دادن زن‌ها، و سهم ارث‌شان نیم‌برابر رای، و سهم ارث مردان است. حق مردان است که زنان را گله‌وار با عناوینی همچون تعدد زوجات و صیغه‌ی اسلامی به حرمسراهای کوچک و بزرگ خود ببرند. اسلام، زن‌ستیز است. اما اگر زنان بخواهند به حقوق اجتماعی و طبیعی خود دست یابند؛ «اسلام ستیز» به‌شمار می‌آیند. «اسلام‌ستیزی» بدترین و خطرناک‌ترین اتهامی است که مسلمانان و اسلام‌زدگان با بهره‌گیری از آن، دست به کشتار می‌زنند. دست به مصادره‌ی اموال می‌کشایند. اسلام، یک دین مردانه است. الله مرد است. تنها مردان می‌توانند مرجع تقلید باشند. در اسلام، امام زن وجود ندارد، پیشوای دینی زن وجود ندارد، مرجع تقلید زن وجود ندارد. حوزه‌های علمیه، حوزه‌های مردانه هستند. در اسلام، آخوند زن وجود ندارد. همه چیز مردانه است، چرا که الله مرد قهاری است که رجولیت‌اش را روی سرزمین‌های اسلامی پهن کرده است. پس، هرگونه مبارزه برای احقاق حقوق زنان، همانا

«اسلامستیزی» شمرده شده، مشمول مجازات اسلامی خواهد بود. یا باید در برابر این دین مردخدائی زانو زد، یا باید به عنوان «اسلامستیز» مورد شماتت و سرکوب قرار گرفت. چرا که اسلام، همانا مردانند، خود خود مردانند! آن هم مردانی از جنس خاندان نبوت و امامت!

اسلام، ارزش مردم در جایگاه شهروند آزاد را به رسمیت نمی‌شناسد. مسلمانان می‌گویند، نبی، امامان، نواب، والیان و علمای دین مقدس‌اند. آنان محور هستی انسان در هر دو جهان‌اند. آنان باید تعیین‌کننده‌ی راه و روش زندگی دیگران باشند. «حق» آنان است که فتوای قتل یا مصادره دارائی‌ها یا تعزیر مشرکان و کافران و منافقان (دگراندیشان) را بدهند. حق آنان است که «امت» را (این واژه را باید به گفته‌ی ولتر معادل چهارپایان دانست) «هدایت» و رهبری کنند. از نظر متولیان دین، توده‌ها باید میمون‌وار از مراجع دین «تقلید» کنند. چرا که توده‌ها به خودی خود در برابر نمایندگان الله، فاقد «کمالات» هستند. آن‌ها در دستگاه الله موجوداتی دست‌دوم‌اند که باید از اوامر علمای دین پیروی، و از اعمال آنان تقلید کنند.

هرگونه انتقادی به اسلام یا به مسلمانان با شمشیردولبه‌ی «اسلامستیزی» روبرو می‌شود. اما مسلمانان دو آتشه با توده‌هایی که بخواهند خود ببندیشند به ستیزی خونین درمی‌آیند و آن توده‌ها را به اتهام «اسلامستیزی» تقبیح کرده، سرکوب می‌کنند. آیت‌الله محمدمصباح یزدی می‌گوید: «جان و مال و ناموس کسانی که مخالف ولایت مطلقه فقیه هستند برای بازجویان حلال است و تجاوز به آنان معادل زیارت قبر امام حسین است». (ماخذ: ۱۳۱۰۷۴ / <http://donballeh.com/link/>) «النصر من الرعب!» بترسان تا پیروز شوی! آنانی که چپ و راست از «چپ» و «راست»، جلوی هر اندیشه و بیان آن را با عنوان «اسلامستیزی» می‌گیرند، حتماً اگر به ظاهر «روشنفکر» هم باشند، در واقع، عملی اندیشه‌ستیز و آزادی‌ستیز الله و علمای دین اسلام هستند. ولتر، نابغه‌ی بزرگ سده‌ی هفدهم میلادی در فرانسه نوشت: (مردی که به من می‌گوید «به آنچه من می‌کنم ایمان داشته باش ورنه گرفتار غضب الهی خواهی شد»، مثل آن است که می‌گوید: «به آنچه من می‌کنم ایمان داشته باش ورنه ترا به قتل می‌رسانم.» «کسی که آزاد خلق شده است چه حق دارد یک نفر مثل خود را مجبور سازد که مانند او فکر کند؟») ۹

صادق هدایت نوشته بود: «تمام فلسفه‌ی اسلام روی نجاسات بنا شده، اگر پائین‌تنه را از آن حذف کنیم، اسلام روی هم می‌غلند و دیگر مفهومی ندارد.» پایه‌های اسلام بر خرافات برپا شده است. خرافات، اصلی‌ترین پایه‌های اسلام‌اند. خرافه یعنی آن چیزی که نه تعریف علمی دارد، و نه با عقل، درخور پذیرش است. خرافه، نه با موازین واقعیت همخوانی دارد، و نه با آزمون و تجربه قابل اثبات و درک است. پس، جهنم یک خرافه است، بهشت یک خرافه است، غیبت امام یک خرافه است، شق القمر یک خرافه است، طی الارض یک خرافه است، حضور نکیر و منکر در شب اول قبر یک خرافه است، شهادت در راه الله یک خرافه است، جهاد برای اسلام یک خرافه است. مسجد، لانه و کارگاه خرافه‌سازی است، امامزاده، ماشین تولید خرافه است. هرگاه کسی این خرافه‌های بزرگ و بنیادین را نپذیرد، اسلام و چماقداران الله با او به ستیز خونینی درمی‌آیند. هرگاه کسی به این خرافه‌ها شک کند به اتهام «مشرک» یا به زبان امروزی‌ها «اسلامستیز» زندانی، شکنجه و اعدام می‌شود. منتقد به اصول و فروع دین به اتهام کفر، زندق، بی‌خدائی، الحاد، صب رهبری و توهین به ائمه کشته خواهد شد.

بنابراین، اسلام و مسلمان حق ستیز با مردم (مردم‌ستیزی) را دارند اما مردم حق «اسلامستیزی» یعنی دفاع از گوهر انسانی را ندارند! «کهنه‌پرستی که با جهل و خرافات در هم آمیخته است، مایه بیماری تمام قرون و اعصار گردیده است.» ۹

«توهین به باور توده‌ها!»

حسین ابن علی: «ما از تبار فریش هستیم و هواخواهان ما عرب، و دشمنان ما ایرانی‌ها هستند. روشن است که هر عربی از هر ایرانی بهتر و بالاتر، و هر ایرانی از دشمنان ما هم بدتر است. ایرانی‌ها را باید دستگیر کرد و به مدینه آورد، زنانشان را به فروش رسانید و مردانشان را به بردگی و غلامی اعراب گماشت.» حسین ابن علی، امام سوم شیعیان "سفینه البحار و مدینه الاحکام و الاثار" نوشته حاج شیخ عباس قمی صفحه ۱۶۴

«و اگر ما این قرآن را به زبان عجم (فارسی) می‌فرستادیم، کافران می‌گفتند چرا آیات این کتاب مفصل و روشن (به زبان عرب) نیامد. ای عجب! آیا کتاب عجمی بر رسول و امت عربی نازل می‌شود؟!» سوره فصله. آیه ۴۳

در جهان مسیحیت: «در سال ۱۷۶۵ جوانی ۱۶ ساله با نام لایار به تهمت این که تصویر عیسی را بر صلیب پاره کرد توقیف شد و تحت شکنجه قرار گرفت. وی به گناه خود اقرار کرد، به همین جهت سرش را بریدند و جسدش را در میان کف زدن مردم در آتش سوزاندند.» تاریخ فلسفه. ویل دورانت. جلد نخست

این‌گونه برخورد با دگراندیشان بخشی از «اعتقادات مردم دین‌باور» است که در همین سی سال گذشته در ایران اسلامی به صورت نمایشی روزمره درآمده است. انتقاد به «باور توده‌ها» از نظر «روشنفکران سیاسی» ایران هم نوعی «توهین به اعتقادات مردم» به حساب می‌آید! این به اصطلاح «روشنفکران سیاسی» که برای جلب نظر مردم و گدائی رأی، به دروغ، حقه‌بازی و شارلاتانیسم بی‌کران دچار شده‌اند، هرگونه انتقاد به این‌گونه باورهای برخاسته از دین را «توهین به دین مردم» می‌نامند. کار به آنجا کشیده شده است که یکی از همینان، سران سپاه پاسداران را که سی سال است به کشتار مردم ایران دست یازیده، و در نبردی در بلوچستان کشته شده‌اند، «فرزندان ایرانزمین» می‌نامند و خود را در غم «شهادت» آن‌ها سوگواری می‌دانند! دیدرو فریاد برداشته بود که «مردم هرگز آزاد نخواهند شد مگر آن که سلاطین و روحانیون هردو به دار آویخته شوند. زمین وقتی حق خود را به دست خواهد آورد که آسمان نابود شود.» ۱۰

چرا اسلام‌ستیزی، حق هر ایرانی است؟:

زیرا دین اسلام با زور، شمشیر، خدعه، کشتار، غارت و سرکوب بر مردم ایران تحمیل شده است. زیرا بُن‌پایه‌ی فرهنگ زَنُخْدائی، سیمرغی، و انسان‌محوری ایران به ضرب شمشیر اسلام لت و پار شده است.

زیرا اسلام با ایرانی و ایرانیگری به ستیزی خونین درآمده و تا کنون میلیون‌ها ایرانی را که خواسته‌اند خود باشند و فرهنگ خود را ارج بدارند کشته، آواره و شکنجه کرده است.

زیرا اسلام با زبان پارسی که از شاخصه‌های هویت ملی ایرانیان است، ستیزی پایان‌ناپذیر دارد. زیرا اسلام با نشانه‌ها و نمادهای فرهنگ ایرانی، از گور کوروش بزرگ بگیر تا تخت جمشید، از چهارشنبه سوری بگیر تا جشن نوروز، ستیزی کین‌توزانه و آشتی‌ناپذیر دارد.

زیرا اسلام، ارج انسان ایرانی، و ارزش فرهنگ جهانشمول آن را در ستیزی ۱۴۰۰ ساله پایمال کرده است.

دشمن قهار و زنگی تیغ به دست، درکی از فرهنگ مدارا، تفاهم و هم‌اندیشی ندارد. ابزار او «حرب» است، «ستیزی» است و خونریزی. ابزار روحانیون، جهل است و خرافه. ابزار پاسداران اسلام

شمشیر است و شکنجه و تجاوز جنسی. بی‌هوده نیست که بر بیشترین پرچم‌های کشورهای مسلمان و گروه‌های تروریستی مسلمان؛ شمشیر کج و خونین عربی نقش بسته است. حکام، سلاطین و پیشوایان دینی مسلمان، دشمنان فرهنگ، دشمنان موجودیت، و دشمنان تاریخ ایران و ایرانی‌اند. بنابراین، «اسلام‌ستیزی»، حق هر ایرانی نواندیش و آینده‌نگر است. هر ایرانی آزادیخواه، متمدن، روشن‌اندیش و ایران‌دوست باید با هر ابزاری که دارد با اسلام در میهن متصرف شده‌اش بستیزد. این «ستیز»، در واقع دفاعی است در برابر ستیزه‌جویی بیگانگان لانه کرده در ایران. ایران و ایرانی زمانی از «یوغ اسارت» اسلام رها می‌شوند که عمامه‌ی روحانیون را به لگن کودکان ایرانی تبدیل کنند.

- ۱ - منوچهر جمالی. زال زر یا زرتشت. جلد نخست. ص. ۲۲۳.
- ۲ - ویل دورانت. تاریخ فلسفه. جلد نخست. ترجمه‌ی دکتر عباس زریاب خویی. چاپ ششم. سال ۱۳۸۱. ص. ۳۲۲
- ۳ - قرآن. سوره ی توبه. آیه ۷۳
- ۴ - سوره ی انفال. آیه ۳۸
- ۵ - سوره توبه. آیه ۱۹۰
- ۵ - توبه. آیه ۱۲۳
- ۷ - سوره آل عمران. آیه ۱۰۰
- ۸ - ولتر. تاریخ فلسفه. اثر ویل دورانت. جلد یک. ص ۳۲۹
- ۹ - ولتر. همان. ص ۳۲۹
- ۱۰ - دیدرو. همان. ص ۳۲۱

SOURCE: www.akhbar-rooz.com